با تصویب دو مقرره در مجلس، نگرانی جامعه حقوقی درباره برحق دفاع ملت افزون‌تر شد

پایان استقلال وکیل یا پاسداری از قانون اساسی!

تاکنون بیش از ۲۴۰۰۰ امضا در کارزار «اعتراض به طرح‌ها و لوایح ضد استقلال کانون‌های وکلا و امنیت قضائی» ثبت شده است

طرح‌های تکراری برای تجاوز به استقلال کانون وکلا

سیدمحمود کاشانی
استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

در روزهای پایانی مردادماه، رسانه‌ها از تنظیم ماده ۴ لایحه برنامه هفتم توسعه در کمیسیون تلفیق مجلس خبر دادند. این ماده در راستای آسیب‌رساندن به استقلال کانون وکلای دادگستری است که در اندیشه گنجانیدن آن در برنامه هفتم هستند. شایسته است اتحادیه کانون‌های وکلای دادگستری نشست دیگری درباره آن داشته باشد. در همین حال روز ۲۹ مرداد، رسانه‌ها خبر از تصویب یک بند الحاقی در مجلس دادند که درهم‌شکستن استقلال کانون وکلا را هدف گرفته است و موضوع سخنان امروز من است.

در بهمن ماه سال ۱۳۹۹، طرح «اصلاح مواد ۱ و ۷ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴» به تصویب مجلس رسید. طرح تسهیل صدور مجوز کسب‌وکار نیز در ۱۷ شهریور سال ۱۴۰۰ به تصویب مجلس رسید. روز یکم شهریور ۱۴۰۱ نیز طرح تفسیر مصوبه تسهیل مجوز کسب‌وکار به تصویب مجلس رسید. در بخشی از مواد این طرح‌ها به استقلال کانون وکلای دادگستری که دستاورد بزرگ وکلای دادگستری ایران و جهان به شمار می‌رود، تجاوز شده است. طرح دیگری نیز در ۲۵ مهر ۱۴۰۰ با عنوان «تأمین مالی و جهش تولید» به مجلس تقدیم شده بود که سرانجام با همه آشفتگی‌های آن در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۴۰۲ به تصویب مجلس رسید. در این طرح، ۲۲ ماده مکرر به ماده ۱۹ «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی‌کشور» مصوب سال ۱۳۹۲ افزودند. یک واقعیت نگران‌کننده که به تلقی مقامات مسئول رسیده، این است که ۹۰ درصد اقتصاد ایران زیر کنترل دولت و نهادهای وابسته به آن است. این طرح‌های تکراری نیز قطعا چارساز شکوفایی تولید و اشتغال سازنده در کشور ما نخواهند بود. این طرح‌ها که با تخلف از اصول قانون اساسی به تصویب رسیده‌اند، به دنبال ازهم‌گسختن شیرازه نهادهای صنفی و حقوقی حاقدانه در کشور ما هستند که با تصویب لوایح قوه قضائیه و ازبین‌رفتن ثبات و امنیت را در اجرای و حقوقی کسوار ما سرود آغاز شده.

سیاست «وکلا پسرپس» و/ یو ۲۹ مرداد ۱۴۰۲ خبر از تصویب یک بند الحاقی دیگر به ماده ۱۹ «قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی‌کشور» داد. این بند که در لایحه الحاقی جدید در طرح «تأمین مالی و جهش تولید» که در ۲۵ مهر ۱۴۰۰ به مجلس تقدیم شده بود، وجود نداشته است و موضوع آن هم صرف ارتباطی به قانون و مواد طرح تأمین مالی و جهش تولید ندارد، بنابراین نمایندگان مجلس نیز هم‌تا ساعت ۱۲ روز ۲۹ مرداد ۱۴۰۲ درباره آن تصمیم‌گیری کنند و آن را به تصویب برسانند. این بند الحاقی جدید که «حالت در وظایف وکلای دادگستری حاقدی و حقوقی حاقدانه در کشور ما رفع موانع تولید رقابت‌پذیر نیز ندارد و هیچ ارتباطی با قانون اساسی یا مالی ندارد» نام گرفت، با نظر از نمایندگان و با رعایت الزامات ماده ۱۲۷ آیین‌نامه داخلی مجلس در زمینه طرح‌های قانونی به عنوان‌نسبه تقدیم شود و پس از آنکه در دستور جلسه علنی قرار گرفت و کلیات آن به تصویب رسید، برای رسیدگی به کمیسیون مربوطه ارجاع شد تا روند قانون‌گذاری درباره آن انجام شود. ازاین‌رو اصل این بند الحاقی اشکارا زیرپا گذاشتن اصل قانون اساسی است. مندرجات این بند الحاقی جدید نیز ناسازگار با اصول قانون اساسی و قانون استقلال کانون وکلاست که به آنها می‌پردازم:

۱- مندرجات بند الحاقی جدید

در این بند که در «جرح» آغاز می‌شود و روشن نیست به کجا الحاق شده، افزوده شده است:

«عبارت به طرفین تسهیل سرمایه‌گذاری در ایران، از ابتدای ماده ۷ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مصوب ۱۳۷۸.۳.۳۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی حذف می‌شود».

متن ماده ۷ اصلاحی مورخ بهمن ماه ۱۳۹۹ مزبور چنین بوده است:

«به منظور تسهیل سرمایه‌گذری در ایران، مراجع صدور مجوزهای کسب‌وکار موظف‌اند شرایط و فرایند صدور یا تمدید مجوزهای کسب‌وکار را به نحوی ساده کنند که هر متقاضی کسب‌وکار در دورت ارائه مدارک مصرح در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب‌وکار بتواند در حداقل زمان ممکن، مجوز مدنظر خود را دریافت کند...».

این در حالی خود کاملا روشن است که ماده ۷ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مصوب سال ۱۳۸۷ و ماده ۱ اصلاحی آن مصوب سال ۱۳۹۹، هیچ ارتباطی به قانون‌های وکلا و صدور پروانه وکالت ندارد. این موضوع به نظر می‌رسد که در دیدگاه جدید بند الحاقی جدید به این قانون بی‌ارتباط و بی‌توجه است. لذا مشاغل مزبور از شمول احکام مقرر در ماده ۷ قانون سیاست کلی اصل ۴۴ قانون اساسی خارج هستند.». رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری برای شعبه‌های دیوان و مراجع اداری به‌ویژه وزارت اقتصاد و دارایی که خوانده این شکایت بوده است لازم‌الاتباع است. به‌ویژه ماده ۹۲ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری را وارد این استدلال. تصمیم هیئت مقررات‌زدایی وابسته به وزارت دارایی در لزوم بارگذاری پروانه‌های وکالت دادگستری در درگاه غیرقانونی مجوزهای کسب‌وکار را ابطال کرد. در بخشی از تصمیم هیئت عمومی دیوان عدالت اداری چنین آمده است: «با عنایت به اینکه در رابطه با وکالت دادگستری، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده و نحوه صدور پروانه فعالیت در این حوزه‌ها در قانون وکالت (سال ۱۳۱۵)، لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری، قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری... تعیین تکلیف شده است، لذا مشاغل مزبور از شمول احکام مقرر در ماده ۷ قانون سیاست کلی اصل ۴۴ قانون اساسی خارج هستند.». رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری برای شعبه‌های دیوان و مراجع اداری به‌ویژه وزارت اقتصاد و دارایی که خوانده این شکایت بوده است الزام‌الاتباع است. به‌ویژه ماده ۹۲ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری افزوده است:

«هرگاه مراجع و مقامات مذکور، مصوبه جدیدی تحت عر عنوانی مغایر با مفاد رأی مذکور تصویب کنند، به درخواست رئیس دیوان، موضوع به صورت خارج از نوبت و بدون رعایت مفاد ماده ۳ این قانون و فقط با دعوت از نماینده مرجع صدور مصوبه جدید، در هیئت صادرکننده رأی قبلی رسیدگی و از تاریخ تصویب ابطال می‌شود».

و در پایان این ماده افزوده شده است: «مقامات و اعضایی که برخلاف رأی دیوان مبادرت به وضع چنین مقرراتی نموده‌اند، مسئول جبران خسارات وارده به اشخاص بوده و به عنوان مستنکف شناخته شده و مشمول ماده ۱۱۲ این قانون می‌شوند».

ماده ۱۱۲ این قانون نیز برای مقامداتی که از اجرای رأی دیوان عدالت اداری استنکاف کنند، انفصال از خدمات دولتی تا پنج سال با محرومیت از حقوق اجتماعی تا پنج سال و جبران خسارات وارده را پیش‌بینی کرده است.

نمایندگان مجلس نیز در همین راستا تکلیف دارند به رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری که حرفه شریف وکالت دادگستری را کسب‌وکار به شمار نیاورده است، احترام بگذارند و از آن تخلف نکنند و هرگونه قانون‌گذاری برای ناکام‌ساختن رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری که حرفه وکالت را از شمول کسب‌وکارها بیرون دانسته، بی‌اعتبار است.

۵- پستن راه دادخواهی شهروندان

در تبصره یک این بند الحاقی جدید افزوده‌اند: «مصوبات هیئت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب‌وکار قابل اعتراض و یا شکایت در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضائی نبوده و...». آوردن این تبصره در این بند الحاقی به انگیزه بستن راه دادخواهی از تصمیم‌های مغایر با قانون مقامات دولتی در دیوان عدالت اداری و دیگر مراجع قضائی و تخلف آشکار از اصل ۱۷۳ قانون اساسی است. شگفت‌انگیزتر این است که در دیباله این تبصره افزوده‌اند: «به‌منظور اعمال نظارت قضائی بر مصوبات این هیئت، شعب دیوان عدالت اداری، مستقر در وزارت امور اقتصاد و دارایی جهت رسیدگی ذی‌نفعان یا بینندها دیوان دادگستری تشکیل و رئیس آن از بین قضات دارای پایه ۶ قضائی و بالاتر پس از موافقت رئیس قوه قضائیه و با ابلاغ ایشان منصوب می‌شود». این در حالی است که دیوان عدالت اداری که در اصل ۱۷۳ قانون اساسی پیش‌بینی شده بخشی از قوه قضائیه است که وظایف و اختیارات آن در اصل‌های ۱۵۹ تا ۱۷۲ قانون اساسی پیش‌بینی شده‌اند. این در تبصره به اصل تفکیک‌قوه‌ها و استقلال قوه قضائیه و تجاوز به اصل ۶۳ قانون اساسی است که دادخواهی را حق مسلم هر فرد دانسته و افزوده است که «هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به صورت قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد». این تبصره رویکرد نشان می‌دهد: نویسندگان این بند الحاقی و آنانی که به آن رأی داده‌اند، حسن‌نیت ندارند و به موازین قانون‌گذاری آگاه نیستند و به سودندی به اجرای قانون اساسی باد کرده‌اند نیز پایبندی ندارند.

۶- اعتبار بخشی ناروا به مصوبات هیئت مقررات‌زدایی

قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در سال ۱۳۸۷ با ادعای خصوصی‌سازی اقتصاد دولتی و بمبار ایران به تصویب رسید. پیش از تصویب آن در مجلس در مقاله‌ای زیر عنوان «خصوصی‌سازی و حکومت قانون»، که در شماره بهار و تابستان سال ۱۳۸۶ مجله حقوقی دادگاه عالی کشور به چاپ رسید، نامگذاری‌های این قانون به اصل کلی اساسی را نشان دادم و بر فسادبرانگیز بودن آن تاکید کردم. ازهمین‌رو اجرای این قانون که فسادهای گسترده‌ای را به بار آورد، روز ۱۰ مهر ۱۳۹۹ با دستور حجت‌الاسلام حسن روحانی رئیس‌جمهور وقت متوقف شد. بااین‌حال در بهمن ماه ۱۳۹۹، قانون بیهوده‌ای به نام «اصلاح مواد ۱.۷ و ۳۰ قانون سیاست‌های اصل ۴۴» در مجلس تصویب شد. در ماده ۲ این مصوبه، هیئتی را به نام «مقررات‌زدایی و بهبود فضای کسب‌وکار» در وزارت اقتصاد و دارایی تشکیل دادند که در جای خود ناسازگار با قانون اساسی است و جایگاهی در وظایف قانونی وزارت اقتصاد و دارایی نیز ندارد. قانون در تبصره ۲ این بند الحاقی، با شگفتی، ارزش و اعتبار مصوبات هیئت موسوم به مقررات‌زدایی را به سطح قوانین کشور بالا برده و افزوده‌اند: «تصمیمات هیئت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب‌وکار به‌صورت یک‌فوریت ظرف ۱۰ روز پس از انتشار در سایت روزنامه رسمی کشور[ا] از سوی دبیرخانه قابل اعتراض در شعبه ویژه مستقر در وزارت اقتصاد و دارایی از طریق دبیرخانه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به اشخاص واجد اعتراض ابلاغ می‌شود».

در همه کشورها و دنیا رونق اقتصادی و آگاهی مردم از مندرجات آن تشریفاتی پیش‌بینی شده است. ماده یکم قانون مدنی ایران اصلاحی سال ۱۳۷۰ نیز تاکید کرده است مصوبات مجلس شورای اسلامی پس از گذراندن مراحل قانونی به دستور رئیس‌جمهور و تأیید شورای نگهبان به قانون تبدیل می‌شوند. بر پایه ماده ۲ قانون مدنی، ۱۵ روز پس از انتشار، لازم‌الاجرا می‌گردد. ماده ۳ نیز مقرر کرده است «انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی انجام شود». ولی تبصره ۲ بند الحاقی جدید با دیدن آن است که ارزش و اعتبار تصمیم‌های اجرایی خلاف قانون اساسی هیئت موسوم به مقررات‌زدایی را در اندازه قوانین مصوب مجلس بالا برده و خواستار «انتشار آنها در سایت روزنامه رسمی» شده است و سپس تشریفات بیهوده‌ای برای اعتراض به تصمیم‌های این هیئت در شعبه‌های ویژه مستقر در وزارت اقتصاد و دارایی در نظر رفته است تا راه را بر دادخواهی شهروندان در دیوان عدالت اداری در چارچوب اصل ۱۷۳ قانون اساسی به شیوه دیگری ببندد.

۷- افشاءنمودن تصمیم‌های اداری

شورا ۳ بند الحاقی مورد بحث با تجاوز آشکار به اصل ۵۸ قانون اساسی به قانون‌گذاری از حقوق و اختیارات نمایندگان برگزیده مردم، استناد و با تخلف از روشن‌ترین موازین حقوقی، تصمیم‌های اداری و بی‌ارزش هیئت موسوم به مقررات‌زدایی را «برخوردار نیست» و «بی‌اعتبار» دانسته و افزوده است هرکس از اجرای آن استنکاف نماید در مراجع ذی‌صلاح به مجازات در جرمه ۶ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. این تبصره تجاوز آشکار به اصل ۱۶۵ قانون اساسی نیز است که به رویایه آن، احکام دادگاه‌ها باید مستند و مدلل‌بودن و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است. بنا به مراتب مزبور، بند الحاقی به ماده ۱۹ قانون رفع موانع تولید مصوب سال ۱۳۹۲ که مطرح دربار او به اصلی حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم نشده و فرایند قانون‌گذاری را دنبال نکرده و مندرجات آن ناسازگار با اصول گوناگون قانون اساسی است بی‌اعتبار است و نمی‌تواند جامه شریف قانون را بر تن کند.

و این سرنوشت قوه مقننه در کشور ما است که انتخابات آن از نظارت غیراستنادار سال ۱۲۹۰ خورشیدی که ۱۱۲ سال از تاریخ تصویب آن گذشته است و بر اساس آن مجلس شورای ملی و نمایندگان شخص‌ناقص کاغذی که برای اتفاق و اقناع آن مجلس نیز نمی‌شد، نقض شد. فقط استقلال کانون وکلای دادگستری با تلاش و پشتکار پیشکامان حرفه وکالت و در بحبوحه اسفند ۱۳۳۳ به تصویب نمایندگان شریف مجلس شورای ملی و سنا رسید و کانون وکلا با کانون‌های وکلا در کشورهای پیشرفته از نظارت و حاقدت وزارت دادگستری آزاد شد. استقلال کانون وکلا تضمین استقلال وکیل در امر دفاع در اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که در همین راستا حق برخورداری از وکیل را برای همه دادخواهان الزامی شناخته است. امید است کانون‌های وکلای دادگستری ایران که اعتراری برای نظام حقوقی کشور ما هستند به اهمانا به قوانین در برابر این قانون‌گذاری‌های هرج‌ومرج‌طلبانه که درهم‌شکستن استقلال کانون را هدف قرار داده‌اند ایستادگی و از استقلال کانون وکلا دفاع کنند.

ذیل این بند الحاقی، این واقعیت حقوقی نادیده گرفته شده و افزوده‌اند: «هرکس از اجرای احکام فوق استنکاف کند...».

کسانی که ابتکار تدوین و تصویب این بند الحاقی را داشته‌اند، باید بدانند با این قانون‌گذاری عجیب نمی‌توانند قانون استقلال کانون وکلا و دیگر قوانین لازم‌الاجرای کشور را نسخ کنند و تا هنگامی که این قوانین اعتبار دارند، ارگان‌های اجرائی این نهادهای دارای شخصیت حقوقی باید وظایف خود را در چارچوب این قوانین انجام دهند و هرگز ابزار بی‌اراده اجرای تصمیم‌های وزیر اقتصاد و دارایی نخواهند شد.

۴- تخلف از اصل ۱۷۳ قانون اساسی

اصل ۱۷۳ قانون اساسی برای پیشگیری از استبداد و قانون‌شکنی مقامات دولتی، رسیدگی به دادخواهی شهروندان از تصمیم‌های مأموران دولتی و آیین‌نامه‌ها را در صلاحیت دیوان عدالت اداری نهاده است. در پی تقدیم شکایت چند نفر از وکلای دادگستری به نمایندگی از کانون وکلای مرکز به دیوان عدالت اداری و با این استدلال روشن که حرفه وکالت دادگستری بر پایه اصل ۳۵ قانون اساسی عهده‌دار تضمین برگزاری دادرسی عادلانه است و به‌هیچ‌وجه کسب‌وکار شمرده نمی‌شود، از این دیوان درخواست کردند تصمیم وزارت دارایی و هیئت مقررات‌زدایی وابسته به آن را که حرفه وکالت را کسب‌وکار شمرده‌اند، ابطال کند. خواندگان این شکایت به دفاع از تصمیم خود پرداختند و تصمیم‌های خود مبنی بر بارگذاری! پروانه‌های وکالت دادگستری در درگاه مجوزهای کسب‌وکار را مستند به قانون اصلاح مواد ۱ و ۷ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴، مصوب ۱۳۹۹.۱۱.۱۵ برشمردند؛ ولی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با رد این استدلال، تصمیم هیئت مقررات‌زدایی وابسته به وزارت دارایی در لزوم بارگذاری پروانه‌های وکالت دادگستری در درگاه غیرقانونی مجوزهای کسب‌وکار را ابطال کرد. در بخشی از تصمیم هیئت عمومی دیوان عدالت اداری چنین آمده است: «با عنایت به اینکه در رابطه با وکالت دادگستری، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده و نحوه صدور پروانه فعالیت در این حوزه‌ها در قانون وکالت (سال ۱۳۱۵)، لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری، قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری... تعیین تکلیف شده است، لذا مشاغل مزبور از شمول احکام مقرر در ماده ۷ قانون سیاست کلی اصل ۴۴ قانون اساسی خارج هستند.». رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری برای شعبه‌های دیوان و مراجع اداری به‌ویژه وزارت اقتصاد و دارایی که خوانده این شکایت بوده است لازم‌الاتباع است. به‌ویژه ماده ۹۲ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری را وارد این استدلال.

«هرگاه مراجع و مقامات مذکور، مصوبه جدیدی تحت عر عنوانی مغایر با مفاد رأی مذکور تصویب کنند، به درخواست رئیس دیوان، موضوع به صورت خارج از نوبت و بدون رعایت مفاد ماده ۳ این قانون و فقط با دعوت از نماینده مرجع صدور مصوبه جدید، در هیئت صادرکننده رأی قبلی رسیدگی و از تاریخ تصویب ابطال می‌شود».

و در پایان این ماده افزوده شده است: «مقامات و اعضایی که برخلاف رأی دیوان مبادرت به وضع چنین مقرراتی نموده‌اند، مسئول جبران خسارات وارده به اشخاص بوده و به عنوان مستنکف شناخته شده و مشمول ماده ۱۱۲ این قانون می‌شوند».

ماده ۱۱۲ این قانون نیز برای مقاماتی که از اجرای رأی دیوان عدالت اداری استنکاف کنند، انفصال از خدمات دولتی تا پنج سال با محرومیت از حقوق اجتماعی تا پنج سال و جبران خسارات وارده را پیش‌بینی کرده است.

نمایندگان مجلس نیز در همین راستا تکلیف دارند به رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری که حرفه شریف وکالت دادگستری را کسب‌وکار به شمار نیاورده است، احترام بگذارند و از آن تخلف نکنند و هرگونه قانون‌گذاری برای ناکام‌ساختن رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری که حرفه وکالت را از شمول کسب‌وکارها بیرون دانسته، بی‌اعتبار است.

۵- پستن راه دادخواهی شهروندان

در تبصره یک این بند الحاقی جدید افزوده‌اند: «مصوبات هیئت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب‌وکار قابل اعتراض و یا شکایت در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضائی نبوده و...». آوردن این تبصره در این بند الحاقی به انگیزه بستن راه دادخواهی از تصمیم‌های مغایر با قانون مقامات دولتی در دیوان عدالت اداری و دیگر مراجع قضائی و تخلف آشکار از اصل ۱۷۳ قانون اساسی است. شگفت‌انگیزتر این است که در دنباله این تبصره افزوده‌اند: «به‌منظور اعمال نظارت قضائی بر مصوبات این هیئت، شعب دیوان عدالت اداری، مستقر در وزارت امور اقتصاد و دارایی جهت رسیدگی ذی‌نفعان یا بینندها دیوان دادگستری تشکیل و رئیس آن از بین قضات دارای پایه ۶ قضائی و بالاتر پس از موافقت رئیس قوه قضائیه و با ابلاغ ایشان منصوب می‌شود». این در حالی است که دیوان عدالت اداری که در اصل ۱۷۳ قانون اساسی پیش‌بینی شده بخشی از قوه قضائیه است که وظایف و اختیارات آن در اصل‌های ۱۵۹ تا ۱۷۲ قانون اساسی پیش‌بینی شده‌اند. این در تبصره به اصل تفکیک‌قوه‌ها و تجاوز به اصل ۶۳ قانون اساسی است که دادخواهی را حق مسلم هر فرد دانسته و افزوده است که «هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به صورت قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد». این تبصره رویکرد نشان می‌دهد: نویسندگان این بند الحاقی و آنانی که به آن رأی داده‌اند، حسن‌نیت ندارند و به موازین قانون‌گذاری آگاه نیستند و به سودندی به اجرای قانون اساسی باد کرده‌اند نیز پایبندی ندارند.

۶- اعتبار بخشی ناروا به مصوبات هیئت مقررات‌زدایی

قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در سال ۱۳۸۷ با ادعای خصوصی‌سازی اقتصاد دولتی و بمبار ایران به تصویب رسید. پیش از تصویب آن در مجلس در مقاله‌ای زیر عنوان «خصوصی‌سازی و حکومت قانون»، که در شماره بهار و تابستان سال ۱۳۸۶ مجله حقوقی دادگاه عالی کشور به چاپ رسید، نامگذاری‌های این قانون به اصل کلی اساسی را نشان دادم و بر فسادبرانگیز بودن آن تاکید کردم. ازهمین‌رو اجرای این قانون که فسادهای گسترده‌ای را به بار آورد، روز ۱۰ مهر ۱۳۹۹ با دستور حجت‌الاسلام حسن روحانی رئیس‌جمهور وقت متوقف شد. بااین‌حال در بهمن ماه ۱۳۹۹، قانون بیهوده‌ای به نام «اصلاح مواد ۱.۷ و ۳۰ قانون سیاست‌های اصل ۴۴» در مجلس تصویب شد. در ماده ۲ این مصوبه، هیئتی را به نام «مقررات‌زدایی و بهبود فضای کسب‌وکار» در وزارت اقتصاد و دارایی تشکیل دادند که در جای خود ناسازگار با قانون اساسی است و جایگاهی در وظایف قانونی وزارت اقتصاد و دارایی نیز ندارد. قانون در تبصره ۲ این بند الحاقی، با شگفتی، ارزش و اعتبار مصوبات هیئت موسوم به مقررات‌زدایی را به سطح قوانین کشور بالا برده و افزوده‌اند: «تصمیمات هیئت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب‌وکار به‌صورت یک‌فوریت ظرف ۱۰ روز پس از انتشار در سایت روزنامه رسمی کشور[ا] از سوی دبیرخانه قابل اعتراض در شعبه ویژه مستقر در وزارت اقتصاد و دارایی از طریق دبیرخانه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به اشخاص واجد اعتراض ابلاغ می‌شود».

در همه کشورها و دنیا رونق اقتصادی و آگاهی مردم از مندرجات آن تشریفاتی پیش‌بینی شده است. ماده یکم قانون مدنی ایران اصلاحی سال ۱۳۷۰ نیز تاکید کرده است مصوبات مجلس شورای اسلامی پس از گذراندن مراحل قانونی به دستور رئیس‌جمهور و تأیید شورای نگهبان به قانون تبدیل می‌شوند. بر پایه ماده ۲ قانون مدنی، ۱۵ روز پس از انتشار، لازم‌الاجرا می‌گردد. ماده ۳ نیز مقرر کرده است «انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی انجام شود». ولی تبصره ۲ بند الحاقی جدید با دیدن آن است که ارزش و اعتبار تصمیم‌های اجرایی خلاف قانون اساسی هیئت موسوم به مقررات‌زدایی را در اندازه قوانین مصوب مجلس بالا برده و خواستار «انتشار آنها در سایت روزنامه رسمی» شده است و سپس تشریفات بیهوده‌ای برای اعتراض به تصمیم‌های این هیئت در شعبه‌های ویژه مستقر در وزارت اقتصاد و دارایی در نظر رفته است تا راه را بر دادخواهی شهروندان در دیوان عدالت اداری در چارچوب اصل ۱۷۳ قانون اساسی به شیوه دیگری ببندد.

۷- افشاءنمودن تصمیم‌های اداری

شورا ۳ بند الحاقی مورد بحث با تجاوز آشکار به اصل ۵۸ قانون اساسی به قانون‌گذاری از حقوق و اختیارات نمایندگان برگزیده مردم، استناد و با تخلف از روشن‌ترین موازین حقوقی، تصمیم‌های اداری و بی‌ارزش هیئت موسوم به مقررات‌زدایی را «برخوردار نیست» و «بی‌اعتبار» دانسته و افزوده است هرکس از اجرای آن استنکاف نماید در مراجع ذی‌صلاح به مجازات در جرمه ۶ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. این تبصره تجاوز آشکار به اصل ۱۶۵ قانون اساسی نیز است که به رویایه آن، احکام دادگاه‌ها باید مستند و مدلل‌بودن و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است. بنا به مراتب مزبور، بند الحاقی به ماده ۱۹ قانون رفع موانع تولید مصوب سال ۱۳۹۲ که مطرح دربار او به اصلی حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم نشده و فرایند قانون‌گذاری را دنبال نکرده و مندرجات آن ناسازگار با اصول گوناگون قانون اساسی است بی‌اعتبار است و نمی‌تواند جامه شریف قانون را بر تن کند.

و این سرنوشت قوه مقننه در کشور ما است که انتخابات آن از نظارت غیراستنادار سال ۱۲۹۰ خورشیدی که ۱۱۲ سال از تاریخ تصویب آن گذشته است و بر اساس آن مجلس شورای ملی و نمایندگان شخص‌ناقص کاغذی که برای اتفاق و اقناع آن مجلس نیز نمی‌شد، نقض شد. فقط استقلال کانون وکلای دادگستری با تلاش و پشتکار پیشکامان حرفه وکالت و در بحبوحه اسفند ۱۳۳۳ به تصویب نمایندگان شریف مجلس شورای ملی و سنا رسید و کانون وکلا با کانون‌های وکلا در کشورهای پیشرفته از نظارت و حاقدت وزارت دادگستری آزاد شد. استقلال کانون وکلا تضمین استقلال وکیل در امر دفاع در اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که در همین راستا حق برخورداری از وکیل را برای همه دادخواهان الزامی شناخته است. امید است کانون‌های وکلای دادگستری ایران که اعتراری برای نظام حقوقی کشور ما هستند به اهمانا به قوانین در برابر این قانون‌گذاری‌های هرج‌ومرج‌طلبانه که درهم‌شکستن استقلال کانون را هدف قرار داده‌اند ایستادگی و از استقلال کانون وکلا دفاع کنند.

برای مخاطبی که تمایل به شنیدن ندارد
مرتضی شهبازی‌نیا، رئیس سابق اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران و استاد دانشگاه

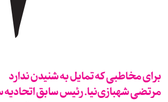

۱. سال‌ها پیش در جلسه دفاع از رساله‌ای که مرتبط با مسئله حکمرانی در قلمرو قضا بود، به‌عنوان داور حاضر بودم. رساله، چندان‌که باید اهمیت استقلال قضائی را ندیده و اصلا به استقلال وکیل هم اشاره نکرده بود. روشن بود که نویسنده مفهوم و مؤلفه‌های حکومت قانون را نمی‌دانست یا باور نداشت. ایراد که کردم مقام عالی‌رتبه‌ای که مشاور یا راهنمای رساله بود از آنچه در باب اهمیت استقلال مشاغل حقوقی و به‌ویژه نهاد وکالت گفته بودم برآشفت و به‌طور ضمنی مرا متهم به نگاه صرفا صنفی و بخشی کرد. چند سال بعد همان مقام که حالا «سابق» شده بود تماس گرفت و گفت یک ماهی هست که یاد حرف‌های شما در آن جلسه افتاده‌ام و چون اسم و فامیلتان در خاطرم نبود با مراجعه به دانشجوی مذکور اسم و تلفنتان را گرفتم تا بابت آن جلسه دفاع و قضاوت نادرستم دمورد دیدگاه شما عذرخواهی کنم. گفت در مرجعی خاص پرونده‌ای برایم باز شده و ناگزیرم از بین تعداد اندکی وکیل انتخاب کنم درحالی‌که به هیچ‌کدام از آنان اعتماد ندارم. گفت الان معتقدم استقلال قاضی و وکیل مهم‌ترین مؤلفه حکمرانی مطلوب است.

۲- چند سال پیش هم در معیت وزیر وقت دادگستری برای پاسخ به سؤال نماینده‌ای که از قضا در مصوبات اخیر هم نقش محوری دارد، در کمیسیون قضائی حاضر شدم. می‌دانستم که قبل از من دکتر حسن‌آبادی رئیس وقت کانون مرکز در جلسه مشابهی حاضر شده بود ولی آقای نماینده هنگام صحبت ایشان از جلسه خارج شده بود. ابتدای صحبت به ایشان گفتم که روش شما در نشنیدن حرف کانون‌ها با ذات نماینده‌گی مغایر است و اگر کوش ندهید وکالتتان حل شبهه حقوقی و شرعی است. ناگزیر شد در جلسه بماند ولی هنگام صحبت من مشغول ورق‌زدن‌ها و نشان‌دادن به دیگران بود. وقتی آن دیدگاه اظهارات بعدی‌اش شنیده شد بعوه بود ولی نمی‌خواست بپذیرد. حالا هم خوبم توقعی نیست که امثال ایشان با اصلا هیچ مسئول دیگری بخواند یا بشنود چه رسد به اینکه اندکی درنگ کنی ما جاری‌ای جز گفتن نداریم.

۳- اینکه مجلس در این وانفسای اقتصاد و محیط زیست و... مشغول تصحیف مقامات حقوقی‌ست، نشانه خوبی نیست. هرکس با الفبای حکومت آشنا باشد، می‌داند که بدون اقتصاد قوی و با پاسخ به پرسش‌های فوق، از راه برای جامعه و نظام حقوقی ارزش‌گذاری نیست. از جمله، باید از غار مفاهیم حقوقی خصوصی خارج شد و زیر نور آسمان حقوق عمومی و اجتماعی، به وکالت نگریست.

اگر بخواهیم از فلسفه وکالت بگوییم و تنها از یک منظر بدان بنگریم، باید گفت که کسب‌وکاری عیب‌باب برای دستگاه قضائی و اجرائی است. نه عیب‌جو عیب‌یابی بسیار از عیب‌جویی جداست و باید این باید با صدای تدوین برنامه هفتم توسعه علاوه بر بازسنگی‌های قبلی کانون‌ها، به نهادی درهم‌کوبنده که ایرادات را ببیند و بکوید. در نظام اجرائی و قضائی، وظیفه اصلی وکیل حمایت از موکل به شیوه احسن است؛ اما باز هم عیب‌یابی را وکیل بر دوش دارد. اوست که اگر زمانی برای عدالت و پیشرفت قضائیات باقی‌ات، آن را می‌نمایاند. پس باید بیاش را محترم داشت و کارشان را ارج نهاد. باید از ایشان بهره برد و تجربیات‌شان را برای تقویت نظام قضائی و اجرائی کشور به کار گرفت. آن‌گاه وکلا مشاوران‌اسی در دلسوز برای اجرای قانون و قضائیات خواهند بود. در عرصه‌های اجتماعی دیگر، به عیب‌یابان بدانش می‌دهند؛ اگر نظام قضائی چنین نمی‌کند، مجازات هم نکند! او بداند که با وکیل از صدر تا ذیل دستگاه و با بخش‌های کوناگونی برخورد شده که بهتر از هرکس می‌تواند بسازد.

با کاهش اثر وکلا، آن کسی که بیش از همه ضرر می‌کند، مردمی هستند که از دسترسی به عدالت دور می‌شوند. البته دستگاه قضائی هم ناکارآمدتر می‌شود. پس بیایید و بیندیید که باید کسی باشد تا عیب‌ها را ببیند و در بهبود کارها مشارکت کند. آن‌گاه باید دیده‌اید که‌چه اتفاق‌اندیشانی را کنار بگذارید تا اصلاح آن را که در تجربه بشری بازتاب یافته، ببینیم! اما برای این هدف وکیل نیازمند استقلال است و بدون استقلال، کار او جواب نخواهد داد.

گزارش به جناب مستطاب تاریخ
شکوفه شکری، نویسنده و پژوهشگر حقوق

جناب مستطاب تاریخ سلام! این روزها برای خولتیان و البته حالا پاره‌ای از مجلسیان با کمال رغبت و کار با حال ریت و به خیال مقبولیت نامه نزد ایشان و حسب غریب نبوغ، خانه‌خرابی می‌کنند و کلهم گفتن شنوایی هم برای تصحیح‌کنی ناصحان و خیرخواهان و اهل علم ندارند و اصلا معلوم نیست چرا فکر می‌کنند نبوغ خلق‌خودمتی به طریب بدو دوست‌دستی تقدیم فکر بکر آنها شود؟ آنها به تاخت برای اختراع دوباره چرخ می‌دوند و اصولی غیرقابل هضم برای به‌هم‌ریختن ساختارها و نهادهای معتبر ملت دارند و کاملا متضاده و جوانمردانه تجویزات رسمی صورت و تصویر را در اختیار فرقه‌اند و دور هم خنده فاتحانه سر می‌دهند و دست‌افشان، نعل وارونه می‌زنند.

جناب مستطاب تاریخ!

ما هم البته هیچ کار که نکنیم ف